

تفرق از هم بکند؛  
وشالی اسرائیل  
نیل می ریختند او  
سی دانند، چرا  
ارگرها برای  
حل شود؟ و پیش  
بای مسلمین؟ این  
بدهید.

طلع هستیم که هر  
بتها بیواسطه  
خودشان آقایی  
و راه جل همان  
ختلاف مصالح  
بخلوع کرد. و اگر  
جل مشکلات  
لی مسلت می کنیم  
هارا بر آنها غلبه  
نی را به اینجانب  
بمهوری بازگو  
تا الله در دمشق را  
می نمایم.

واهم و غلبه شما  
جمه الله وبرکاته

تاریخ: ۵۸/۵/۲۶

بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستینار آموزشی انجمن اسلامی معلمین کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

### مکتب‌های توحیدی و مادی

از امتیازات مکتب توحید با تمام مکتب‌هایی که در عالم هست، این است که در مکتب‌های توحید، مردم را تربیت می‌کنند و آنها را از ظلمات خارج می‌کنند و هدایت به جانب نور می‌کنند. تمام مکتب‌هایی که مکتب غیر توحیدی هستند، مکتب‌های مادی هستند و این مکتب‌های مادی مردم را از عالم نور برمی‌گردانند به سوی عالم ظلمت و دعوت می‌کنند به مادیگری و ماده و از عالم نور منصرف و منحرفشان می‌کنند یا آنها را همان دعوت به ماده می‌کنند و دیگر آن طرفش را کار ندارند. نسبت به عالم نور، و در ارجاع مردم به عالم نور بیطرف هستند و علی‌الاجال هر دو مکتب، چه آن مکتب‌های ضد توحیدی و چه آن مکتب‌هایی که نسبت به توحید کاری ندارند، بیطرفند نسبت به توحید، اینها کارهایی که می‌کنند، تعلیم و تعلم‌هایی که دارند، تعلیم و تعلم‌هایی است که مربوط به ماده است و مردم را در مادیات و در ظلمات منغمس می‌کنند و از توحید و از نور آنها را باز می‌دارند لکن مکتب‌های توحیدی که در رأس آنها مکتب اسلام است در عین حال که به مادیات و با مادیات سروکار دارند، لکن مقصد این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات، حجاب آنها برای معنویات نباشد، مادیات را در خدمت معنویات می‌کشند، به خدمت معنویات می‌کشند، در عین حالی که نسبت به مادیات نظر دارند، نسبت به زندگی دنیا نظر دارند، در عین حال مردم را متوجه به معنویات می‌کنند و از ظلمت ماده نجات می‌دهند. توجه به ماده و به مادیات به طوری که تمام توجه به مادیات باشد، ظلمت است، ظلمات است و انسان را به ظلمات می‌کشد و به چیزهایی می‌کشد که شما مشاهده می‌کنید که در همه مکتب‌هایی که هست، مردم را می‌کشند به جنگ‌ها، به خونریزی‌ها، مکتب کمونیسم، مکتب خونریزی است، مکتب اختناق است، تمام اختناق در آنجا حکمفرماست و خونریزی در آنجا هست به طوری که سران آنها در اول امری که سلطه پیدا کردند، هزاران نفر، بلکه صدها هزار نفر را به قتل رساندند و مادیاتی که در آمریکا و امثال آن ممالک غربی غیر کمونیستی است، آنها هم تمام جدال و نزاعشان سر مادیات است و با مادیات سروکار دارند و مردم را به خاک و خون می‌کشند. الان در تمام دنیا که ملاحظه می‌کنید،

۱ - انغماس: فرو شدن (در آب)

این دو مکتب و این دو فرقه دست دارند و مردم را به خاک و خون می‌کشند. یک طایفه در افغانستان و امثال اینها، یک طایفه دیگر در جاهای دیگر. مکتب‌های توحیدی اینطور نیست، مکتب‌های توحیدی نمی‌خواهند فتح کنند بلاد را و نمی‌خواهند با مردم با خشونت رفتار کنند، آنها می‌خواهند مردم را از ظلمت‌های ماده به نور بکشند، به طرف خدا بکشند، توجه به خدا بدهند و لهذا تا آنجا که امکان دارد در مکتب‌های غیر مادی مدارا هست، خوش رفتاری هست، دعوت هست، تا آنجائی که ممکن است با دعوت مردم را برمی‌گردانند به عالم نور و هیچ وقت در صدد جنگ و جدال نیستند مگر اینکه احساس کنند توطئه هست، اگر احساس توطئه کردند، به حسب دستور قرآن و به حسب دستور اسلام با آنها با شدت رفتار می‌کنند، تا احساس توطئه نشده است همه را آزاد می‌گذارند برای هر چه می‌خواهند اختیار کنند، وقتی احساس توطئه شد، با شدت رفتار می‌کنند.

### عرضه مکتب غیر از سوزاندن خرمن‌هاست

در مملکت ما هم وقتی که این فتح بزرگ به دست شما زنها و مردهای محترم انجام گرفت، همه چیز را آزاد گذاشتند، تبلیغات را آزاد گذاشتند، مکتب‌ها را آزاد گذاشتند و این است که در چند ماه، تقریباً حدود دو بیست تا شاید، گروه‌های مختلف اظهار وجود کردند. حتی کمونیست‌هایی که فاسد و مفسدند اظهار وجود کردند لکن بعد از آن ما احساس کردیم که اینها اظهار وجودشان فقط برای تبلیغ نیست، فقط برای این نیست که می‌خواهند مکتب خودشان را عرضه کنند بلکه مسأله، مسأله توطئه است. عرضه مکتب غیر از سوزاندن خرمن‌هاست، غیر ریختن به دانشگاه است و جلوگیری از اینکه دانشگاهیان مشغول کار باشند، غیر از ریختن به کارخانه‌هاست و مانع شدن از اینکه کارخانه‌ها عمل بکنند، غیر از این است که با رفراندومی که مردم و مردمی است و مربوط به مصلحت مردم است مخالفت کنند و تحریم کنند یا آتش بزنند صندوق‌ها را یا با اسلحه جلوگیری کنند از اینکه مردم رأی بدهند یا در راهپیمائی که کرده‌اند، خودشان غائله درست کردند و عده کثیری از جوان‌های ما را زخمی کردند، قریب سیصد نفر زخمی شد که اکثرشان شاید مربوط به ما بود، خودشان غائله درست می‌کردند و حالا که می‌بینند که نزدیک است که مجلس خیرگان تحقق پیدا بکند، حالا افتادند به دست و پا که در هر جا یک غائله‌ای ایجاد کنند و ما تا حالا که صبر کردیم و صبر انقلابی کردیم تا حالا برای این بود که به مردم معلوم بشود که اینها چه هستند، اینها چه مرامی دارند. اینها نمی‌خواهند مکتب خودشان را عرضه کنند، اینها نمی‌خواهند با منطق صحبت کنند، اینها می‌خواهند که همه مکتب‌ها را سرکوب کنند، اینها برای سرکوبی مکتب اسلام است، اینها از اسلام می‌ترسند، اینها از قوانین اسلام می‌ترسند، اینها می‌خواهند که اسلام نباشد ولو هر چه باشد و لهذا توطئه است.

الان وقتی که توطئه شد، دیگر نمی‌توانیم ما تا آخر تحمل کنیم و توطئه‌ها را بپذیریم، مسأله، مسأله اسلام است، مسأله مصالح مسلمین است، با مصالح مسلمین و اسلام ما نمی‌توانیم مسامحه کنیم. بنابراین من اعلام کردم که اگر چنانچه اینها باز یک چنین کارهایی بکنند، ما تمام ملت را بسیج

بفه در افغانستان و کتب‌های توحیدی نواهند مردم را از جا که امکان دارد در ممکن است با مگر اینکه احساس بر اسلام با آنها با چه می‌خواهند

م انجام گرفت، همه نت که در چند ماه، نهایی که فاسد و ان قیظ برای تبلیغ سیاله، مساله توطئه جلوگیری از اینکه که کارخانه‌ها عمل لختی مردم است از اینکه مردم رأی ران‌های ما را زخمی ائله درست می‌کردند به دست و پا که در جالا برای این بود مکتب خودشان را ها را سرکوب کنند، سلام می‌ترسند، اینها از! بپذیریم. مساله، توانیم مسامحه کنیم. تمام ملت را بسیج

می‌کنیم، ما تمام پاسدارانی که هستند بسیج می‌کنیم، ما تمام زن و مرد ایران را بسیج می‌کنیم و ریشه آنها را درمی‌آوریم، اینها باید برگردند به ملت و اگر مکتبی هم دارند با اینکه برگشت به ملت کردند، از روی عقل، از روی منطق صحبت بکنند. اینها را در رادیو خواستند که با ایشان صحبت بکنند، حاضر نشدند، اینها در مکتب شکست خورده‌اند، اینها یک دسته اشرار هستند، نه مکتب دارند، اینها اشرار هستند. بنابراین اشرار را ما باید سر جای خودشان بنشانیم و با آنها با خشونت رفتار کنیم لکن من باز مهلت دادم به آنها که باز سرعقل بیایند و برگردند به دامن ملت و با ملت همراهی کنند. این مربوط به این قضایا.

### نقش معلم در جامعه نقش انبیاء است

و اما معلم، نقش معلم در جامعه، نقش انبیاء است. انبیاء هم معلم بشر هستند، نقش بسیار حساس و مهمی است و مسؤلیت بسیار زیادی دارد. نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که «اخراج من الظلمات الی النور» است آنهایی که «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور»، همین سمت معلمی است. خدای تبارک و تعالی این سمت را به خودش نسبت می‌دهد که خدای تبارک و تعالی، ولی مؤمنین است و آنها را از ظلمات اخراج می‌کند به سوی نور. معلم اول، خدای تبارک و تعالی است که اخراج می‌کند مردم را از ظلمات به نور و به وسیله انبیاء و به وسیله وحی مردم را دعوت می‌کند به نورانیت، دعوت می‌کند به کمال، دعوت می‌کند به عشق، دعوت می‌کند به محبت، دعوت می‌کند به مراتب کمالی که از برای انسان است. دنبال او انبیاء هستند که همان مکتب الهی را نشر می‌دهند و آنها هم شغلشان تعلیم است، معلمند، معلم بشرند، آنها هم شغلشان این است که مردم را تربیت کنند و انسان را تربیت کنند که از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد. انسان مقام‌هایی دارد که مقام اولش بعد از اینکه مراتبی را سیر کرد، همین مقام حیوانیت است، یک حیوانی است مثل سایر حیوانات بلکه خطرناکتر. خطر حیوانات به اندازه خطر انسان نیست، آنقدری که انسان جنایت وارد می‌کند به همنوع خودش، هیچ حیوانی حتی سبغ هم آنقدر جنایت وارد نمی‌کند. این چیزی است که انسان است، اول مقامی است که بعد از اینکه مزاحلی را طی کرده، به مرتبه حیوانیت رسیده، یک حیوانی است که هیچ افساری ندارد، یک حیوانی است که اگر رهایش کنند، خونخوارترین موجودات است. انبیاء آمده‌اند این انسانی که در این مرحله رسیده است و یک مرحله خطرناک است هم برای خودش و هم برای همنوع خودش، آنها را نجات بدهند و متوجه به نور بکنند، متوجه به مبادی نور بکنند، آنها را از اخلاق فاسد، از آن اخلاق، خوی‌های حیوانی بیرون بیاورند و به خوی‌های انسانی و به اخلاق انسانی برسانند، از مقام حیوانیت بالا ببرد به مقام انسانیت برساند، ماده را تابع عالم غیب بکنند، عالم طبیعت را تابع عالم الوهیت بکنند و بعد از او معلمینی که در بشر هستند که الان شما هم — انشاء الله موفق باشید — از آن طایفه هستید.

## شغل معلم اخراج بچه‌ها و کودکان است از ظلمت به نور

شغل شما اخراج بچه‌ها و کودکان است از ظلمت‌ها به نور. تعلیم و تربیت انسانی، تعلیم و تربیت اسلامی، آنها را از اخلاق فاسد نجات بدهید، آنها را از این آمال و آرزوهائی که به واسطه آن به فساد کشیده می‌شوند، بر حذر دارید، بچه‌ها را تربیت کنید. شما معلمین یک شغل بسیار شریف دارید که همان شغل الله است، همان شغل انبیاء است و یک مسؤولیت بسیار بزرگ دارید که همان مسؤولیت انبیا است، منتها انبیا از مسؤولیت بیرون می‌آیند برای اینکه عمل می‌کنند به آنچه فرموده‌اند، به آنچه مأمور هستند، ماها هم باید عمل بکنیم. اگر چنانچه خدای نخواست بچه‌هایی از دامن‌های شما و از کلاس‌های شما بیرون بیایند که برخلاف تربیت‌های انسانی - اسلامی باشند، شما مسؤول هستید، مسؤولیت بزرگ است. یک انسان درست ممکن است یک عالم را تربیت کند، یک انسان غیر سالم و یک انسان فاسد عالم را به فساد می‌کشد. فساد و صلاح از دامن‌های شما و از تربیت‌های شما و از مدرسی که شما در آنجا اشتغال دارید، از آنجا شروع می‌شود. اینها می‌خواهند بچه‌ها را از دامن مادرشان جدا کرده و به پرورشگاه‌ها بفرستند.

اینها می‌خواهند بچه‌ها را از دامن مادرشان جدا کرده و به پرورشگاه‌ها بفرستند. برای خانم‌ها یک مطلب بالاتر است و آن مطلب، تربیت اولاد است. شما گمان نکنید اینها که همیشه از مادر بودن و از اولاد داشتن و از تربیت اولاد داشتن، اینها تکذیب می‌کنند و مطلب را یک مطلب خیلی سستی می‌گیرند و مطلب را یک مطلب بسیار پائینی می‌گیرند، اینها غرض صحیحی دارند. اینها می‌خواهند از این دامن که بچه خوب می‌خواهد در آن تربیت بشود، بچه‌ها را از این دامن‌ها دور کنند، بچه‌ها را از همان اول به پرورشگاه‌ها بفرستند، زیر دست دیگران، زیر دست اجانب بچه‌ها را تربیت کنند، آنها می‌خواهند انسان درست نشود، دامن‌های شما دامن‌هایی است که انبیا درست می‌کند. اینها می‌خواهند بچه‌های شما را از اینجا نگذارند با شما باشند و نگذارند انسان درست بشود. بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شده‌اند و در پرورشگاه‌ها رفتند، اینها چون پیش اجنبی هستند و محبت مادر ندیده‌اند، عقده پیدا می‌کنند، این عقده‌ها منشاء همه مفاسدی است یا اکثر مفاسدی است که در بشر حاصل می‌شود. این جنگ‌هایی که پیدا می‌شود از عقده‌هایی است که در قلوب این خونخوارها هست. این دزدی‌ها، این خیانت‌ها، اینها اکثراً از عقده‌هایی است که در انسان است. بچه‌های شما را اگر از شما جدا کردند، به واسطه نداشتن محبت مادر، عقده پیدا می‌کند، به فساد کشیده می‌شود. مأمور بودند این دستگاه به اینکه بچه‌های ما را به فساد بکشند، از آن اول نگذارند در یک دامن محبت بزرگ بشود، تربیت بشوند، تا عقده پیدا بشود. بعد هم زیر دست معلم‌هایی که خودشان تعیین کردند و بعد هم در دانشگاهی که خودشان تأسیس کردند، از این پائین تا آن بالا فساد، اخراج من النور الى الظلمات، نگذاشتند اینکه یک تربیت انسانی پیدا بشود. دامن مادر بزرگترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود، آنچه که بچه از مادر می‌شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود، بچه از مادر

بهرتر می شنود تا از معلم، در دامن مادر بهتر تربیت می شود تا در جوار پدر، تا در جوار معلم. یک وظیفه انسانی است، یک وظیفه الهی است، یک امر شریف است، انسان درست کردن است. اینهایی که می خواهند انسان درست نشود از انسان می ترسند. این رژیم ها از انسان می ترسند، در هر رژیمی یک انسان اگر پیدا بشود، متحول می کند کارها را. رضاشاه از مدرس می ترسید، آنقدری که از مدرس می ترسید، از دزد های سرگرفته نمی ترسید، از تفنگدارها نمی ترسید. از مدرس می ترسید، مدرس مانع بود از اینکه یک کارهای زشتی را انجام بدهد و آخر مدرس را گرفت و کشت. اینها از روحانی می ترسند برای اینکه روحانی تربیت می کند انسان را و آنها انسان نمی خواهند پیدا بشود. اینها نمی خواهند انسان پیدا بشود از این جهت اینقدر تربیت اولاد را پیش مادر مبتذل کردند و اینقدر تبلیغات کردند که حتی خود مادرها هم شاید باور کردند، آنهائی که تحت تأثیر اینها واقع شدند، آن بچه های عزیز را به پرورشگاه ها فرستادند و از دامن های خودشان جدا کردند و در آنجا تربیت های شیطانی شدند.

موظفیم ما که انسان درست کنیم. انسان است که می تواند جلوی مفاسد را بگیرد، انسان است که به حال مستضعفین نظر دارد، انسان است که از حال مستضعفین متأثر می شود، پیغمبر اکرم (ص) است که از حال مستضعفین متأثر است، امیرالمؤمنین سلام الله علیه است که از حال مستضعفین در رنج و عذاب است.

#### دشمنان، مهلت خدمت کردن به دولت نمی دهند

این رژیم ها همه مستضعفین را زیر بار می خواهند بکشند و از آنها استثمار کنند. آنها دنبال این نیستند که برای مستضعفین کاری بکنند، نکردند، دیدید که پنجاه و چند سال که ما شاهد قضایا بودیم برای مستضعفین کاری نکردند، باز زاغه نشینان در اطراف تهرانند و این دولت هم که می خواهد کاری بکند، نمی تواند به این زودی. این دولت هم که می خواهد یک خدمتی به مردم بکند نمی گذارند، این اقشار نمی گذارند که دولت توجه داشته باشد به این مسائل از بس غائله پیش می آورند. هر روز یک غائله پیش می آورند که مبادا مهلت پیدا بکند دولت و کارهای اساسی انجام بدهد و اساس اینها از بین برود و ما خواستیم که مفسده نکنند، زحمت ایجاد نکنند و ما می خواهیم که اینها به فساد نکشند جوان های ما را و من امیدوارم که موفق نشوند و به خود بیایند و به ملت برگردند و به سوی جامعه انسانی بیایند.

خداوند شما همه را موفق کند و من از زحمت شما که در این هوای گرم آمدید اینجا و در این اطاق گرم تشریف دارید عذر می خواهم و من هم یکی از خدمتگزارهای شما هستم و امیدوارم خداوند این خدمت را از ما قبول کند. سلام بر همه شما.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

عظیم و  
ه آن به  
دارید  
مؤولیت  
به آنچه  
ما و از  
هستید،  
سیالم و  
ما و از  
دامن  
ستند  
نها که  
را یک  
یحی  
دامن ها  
چهها را  
درست  
، بشود.  
سخت  
که در  
خوارها  
شمارا  
مأمور  
بزرگ  
نقدم  
للمات،  
آنجا  
مادر